

فصل اول

معانی و آثار حقوق

① مجموعه قواعد حکمی و الزام آورنده بر ذمه اشخاص است که حکومت می کند و از این امر سر

دولت یعنی شدات

② علم حقوق، یعنی علمی که مطلقاً همین قواعد را می بردارد.

③ حق : یعنی اعتبار دادن در برابر یک فرد به امری که با امر دیگر اولویت

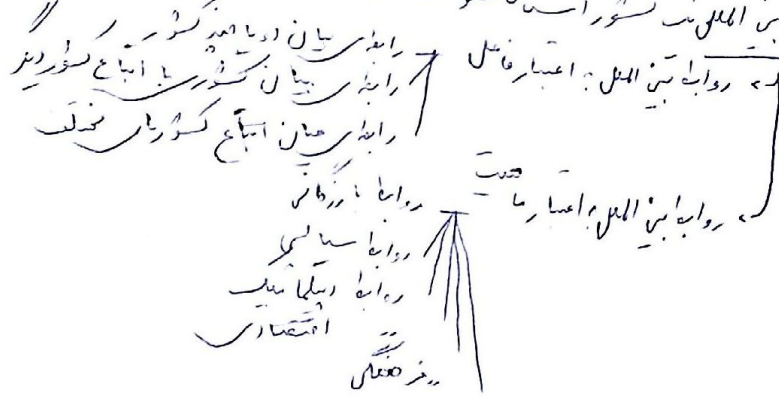
تصرف اول از حقوق در برابر تعارض است

④ بند زدن اشخاص باید صحیح شود. چرا که زندگی مردم در امر قواعد حکمی و الزام آورنده

⑤ موردی نیست « ضمانت اجرائی دولت » در صورتی که در واقع به حقوق و الزام آورنده بودن، در صورت قانون و قاعده تصرف می شود و ضمانت اجرا، جزء ماهیت آن نیست. البته قواعدی، دلیل بر وجود حق می شود و با اینها می توان از وجود ماهیت آن بحث ضمانت اجرا به میان می آید. لذا قاعده الزام آورنده است که تابعه و عایش را ضمانت می دهد و دانسته که حق است پس این می دانند که با زور در برابر تعارض است و این نیز جزو بخش قواعد حقوق است

تصرف مختار : مجموعه قواعد الزام آورنده شرعی که بر کبر و رفتار انسان حکومت می کند

حقوق بین الملل است : مجموعه قواعد حقوقی که بر روابط بین المللی است که در سطح حکومت می گذرد



فصل دوم

حقوق بین الملل است

سوال - چرا قواعد حقوقی برای بشر الزام آورنده؟ (بنیاد) :
پاسخ : ① علت اصالت وضع (پوزیتیویسم) : وضع و نگارش دولت، اصالت دارد. چون اراده برین تمام است. لذا قواعد حقوقی
الزام آورنده است. چرا که این قواعد، فقط آنست که در برابر حواس انسان به حس
منعقد است. پس علم است. اما تفکر در باره منشأ و سرچشمه
پدید آمدن، کارش جز در بران به صالحه دانسته است

⊕ مکتب امانت عین (ابرتعمیر سیم) : اراده در قوت یا در لیاقت هرگز خود به تنهایی منبع قواعد حقوقی نیست؛ بلکه اراده در وسیله در وسیع قوانین باید تا منبع قنونه‌ها، ارزشها و اعتبارها باشد که مستقل از قوای آنها در عالم طبیعت وجود دارند. پس آنچه که از امانت برادر ارادت اراده ما نیست، بلکه حقیقت است که به گونه‌ای در عین مستقل و خارج از قوای اراده است؛ تحقق دارد اگر معرانی که در عین در صورت عبادت قانونی تحقق یافته‌اند و به ظاهر حصول اراده در قوت اند، در عین ریشه‌ای گنم، نشاء و بنیادشان را در حقیقتی منزه از اراده در قوت می‌یابیم.

⊕ نظریه اسلام : عبادت از اقام آوردن قوه با بر اساس قوت و طبیعت انسان استوار باشد، آن هم بر طبق روح و عوارضی که بر او بر از سوس خود اوند فرا می‌آید. لذا حقوق و بیادری نظری - الحاق دارد. یعنی ارزشها و اصولی که خود اوند بر الملل همان شکل شان با طبیعت انسانی، بر آنها ابرخ چهاره است.

بنابراین حقوق طبیعی در حوز اسلام :
 - برترین مرتبه‌ها پس از قند حقیقت اول، ناموس و عین است که ارزشها بر اساسند بر ظهور آلهایها و دنیا نوریها در کمال است که باعث نزول حقون معنوی و معاشی دنیا پس حقوقی شده بود، معنی به آن گردید که اقیامت و ضرورت بیادری احساس شود که بر اثر خود را در حقون نوعی و معنوی هر کشور، هم‌زمان حقیقت کرده باشند.

- این تحول، تحولی است که در دست انسان استوار در بیادری بیادری حقون را نمایش می‌دارد.
 - حقوق حقون طبیعی: مجموعه اصول اساسی مربوط به زندگی اجتماعی که در طبیعت بره، به عنوان یک موجود اجتماعی صاحب عقل، ریشه دارد.

- قبول فلسفه و مبانی نظری و طبیعی بر اساس حقون، مفاسد انسان و وجود قوانین موضوعه است.
 - استعدادهای برهنه طبیعی: (۱) شکر آن این خواهد بود که هر کس می‌خواهد به دست خود چیزی را بر آید، ناچار عاقل، باسار و تمام اقباعی بیندارد.

پاسخ: بله. کشف قوانین نظری را نمی‌توان تنها به عقل بره و انکار کرد.
 (۲) نتیجه آن، شروع بدون مقاومت در برابر قوانین خواهد بود که این علم جامعه را بر هم می‌زند.

پاسخ: بله. باید در برابر قوانین ابرت و غیر منطقی، مقاومت کرد.
 (۳) صفات اجزای آن چیست؟
 پاسخ: صفات اجزا، هرگز عنصر شکل دهند بر قواعد حقوقی است.

منزلت علوم
 در علم حقوق بین الملل
 قواعد و مفروضات : قواعد و مفروضات آن از دو بخش است: (۱) آیات قرآن (۲) سنت پیامبر (در حدیث و احادیث و روایات)

مرحله سیزدهم فتوح بنی المطلب اسلامی : الف - فتح آذربایجان و نوشتن آیات : ایندهم از اخبار رسیده از سینه حسن و حمزه علی از آنکه قرآن در زمان حیات خود پیامبر گرد آورده و تدوین شده است و این اخبار و روایات معتبره فراموشی و تاریخی و ... نیز دارند

ب - فتح آذربایجان و نوشتن سنت : بنا به تحقیق علمای امامیه و به استناد به اصل معتبر ایشان، مرحله سیزدهم فتوح بنی المطلب در همان عهد رسول اکرم آغاز شده و منتهی به آن دوره هم اکنون در دسترس ما نمی باشد. لذا از زمان سید در همان دوران صحیح نگارش احادیث از سوی طایفه سنی از پیامبر و صحابه پیش از آن به تدوین احادیث تحت نظر امامان بوده و همچنین پس از رسول خدا، ائمه معصومین نیز منع سنت بودند و سنت بر ضابط اهل سنت، سابقاً پیش از تدوین سنت اهل سنت، شروع به تدوین حدیث کرده اند

حقوق بنی المطلب اسلامی عنوان شده از علمای شیعه از قرنهای پیش از غزوات، دست نگارنالیست حقوقی زده اند و گویند اسم حقوقی از آنکه خود را به قواعد و مقررات حکم بر روابط بنی المطلب اصطلاحاً می دانند. این کتابها سیرت نام دارند و بعضی زمان دولت اسلامی در روابطش با دیگر جماعات که منبع آن فیه کتابت سنت ایرانی می شود. زید بن علی (۱۲۳)، عبدالرحمن اوزاعی (۸۸-۱۷۵)، ابوحنیفه (۸۰-۱۴۵)، ابو یوسف (۱۷۶)، ابواسحاق خزرجی (۱۸۲) و محمد بن سنانی (۱۸۴) از عقایدی بودند که در این زمینه دارای اثر هستند

از این حقوق بنی المطلب اسلامی با معیار حقوقی آن معیار : حقوق بنی المطلب که هم اکنون راجع است به حقوق و تکلیفشان را در ۴ سال پیش می دانند. همین از زمان که در دنیا کشور مستقلی توانستند از برابر خود برادران از حکومت دم زدن از نظر حقوقدانان میسر شد، حقوق بنی المطلب یعنی متساویان که میان کشورها میسر باشد از نظر بدین آمده و پس در حال که اولاً اگر در وصف حقوق بنی المطلب، مدرن را با و در عم، شایسته بود چنین حقوقی را محمول بر تمدن میسر بنده است. ثانیاً چرا فقط معاهده ای که از پایان قرن ۱۹ به بعد در سطح بنی المطلب بسته شده است، معاهدات قانون ساز تلقی می کنند و معاهداتی که پیش از آن تاریخ در جهان بسته می شد، هرگز به این راه نمی شود. معاهداتی که امکان انکار نیست با رضایت و وجود حقوق بنی المطلب در عهد باستان با قرون وسطی و به طریق اولی حقوق بنی المطلب اسلامی، شرکان چهار دلیل دارند :

۱) پیش از قرون ۱۹ و ۲۰ هرگز معاهده قانون برادران در روابط بنی المطلب وجود نداشته است

پاسخ : سواحد حقیقت آن وجود دارد

۲) معاهدات و مقررات بسیار ساده و ابتدایی بودند و شایسته برابری با سطح کنونی را ندارند

پاسخ : ساده و ابتدایی بودن، اصل عقیده برابری میان زمین را ازین نمی برد

۳) مقررات بنی المطلب که پیش بر مذهب یا احقاف هستند از فکر و حقوق خارجند

پاسخ : حقوق، تو اعدای است الزام آورده که جامع این را پذیرفته. حال چه منبع آن مذهب باشد، چه احقاف و چه غیر آن

(۴) تا زمانیکه اول مساوی حقوق و برقرار از کلیت در جهان پیدا شدند، حقوق بین الملل هم نمی تواند وجود خارجی یابد

II

تاریخ : الف) همیشه در تاریخ این طور نبوده که یک کشور سرآمدیتر شود و یا باشد، که دولتها هم عموماً نزیادتر می شوند و وجود دارد
 ب) برابر بدگور در منشور سازمان ملل متحد کنونی، آنها فرض حقوقی و ذهنی است و محله به لحاظ سیاسی، فضایی و ... برابر
 ۲) چه در گذشته بود و حال، گاه مناصح یک زورمند ایجاب می کرد که با کشور ناتوان معااهده امضا کند که در این صورت فرض برابر در حقوق مجلی می شود. این اصل برابر بنیاد بر فرضی است، همیشه در زمان حال رعایت نمی شود و همیشه در زمان گذشته نقض می شد
 لذا معیار و اساساً الهی حقوقدانان معیار توانایی است، بر آن فرض صورت انان است. حقوق بین الملل اسلامی سوب گرامر، ندارد.

عقل مجتهد

فروع بنیاد و منبع : بنیاد یا مبانی حقوق یعنی ریاست، بنیاد، اصل و خداوند است که منبع مابقی بار سزاست حقوقی
 حقوق بین الملل اسلامی : منظور ما از این اصطلاح، آن حقوق بین المللی است که فقط بر روابط بین المللی کشورها در مسائل حاکم است. منظور از این عنوان همان مقررات مابلی اجرا در کتب جامع بین المللی است که کشورها در مسائل حقوقی خود در این خصوص دارند، یعنی اسامی و حقوق بین المللی و یا حقوق بین المللی در اسامی منظور است

منابع حقوق بین الملل عمومی : ۱) معااهده - هر توافق که میان اعضا جامعه بین المللیه شود و صرف آن ایجاد نمی آید و حقوقی باشد.
 ۲) عرف - در باره این از مسائل هر چند کشورها تصمیم و قرارداد می کنند که بعد نوشته اند، ولی در عمل اجرا می شود. خاصاً رایه گوزاس رعایت می کنند که از این آنگار التزامات بین رعایت این قواعد استنباط نویسنده مایل به منبع بودن رویه قضایی و اصول کلی حقوقی دیگر است (حقوقی نیست)

منابع حقوق اسلامی : الف) اصلی کتاب

سنت (قول، عقل و تکریر معصوم) در پیامبر الله

ب) فرضی و دلگه اجماع (در نظر شیعه، اجماع با معنی معنای در زمان حضور معصوم پیامبر آمده یا سوره تا زمان منبع مستقل است شیعه، اجماع اهل سنت را به هر حدیثی که صحیح است و یا صحیح است علی الخطا استوار است و در هر کس و نیز معیار آن را تنها محقق در اجماع فقها و اندامان امت می دانند
 عقل (تلاش و تیس نزد اصل سنت)

عقل مجتهد

۱) مجامع قواعد الزام آور حکم بر روابط بین المللی، قواعدی که از حقوق داخلی کشورها برنموده باشد
 ۲) حقوق بین الملل عمومی و حقوق بین الملل خصوصی تماماً
 ۳) هرگونه قواعد الزام آور حکم بر روابط بین المللی است = مهم نبوی اصح و معتبر و معیار

آیا در اسامی حقوق بین الملل و حقوق داخلی، در نظام حقوقی مستقل شناخته می شوند یا یک نظام واحد؟

اگر قابل به دو نظام مستقل حقوقی باشیم = دو الیم (دو پادشاه نظام حقوقی داخلی و بین الملل)

یا یک نظام واحد حقوقی باشیم = مونیم (یک پادشاه) ← مونیم با برتری حقوق داخلی
یا مونیم با برتری حقوق بین الملل

در پاسخ به سوال فوق -> معانی حقوق بین الملل -> الف) حقرا بین الملل (مورد مورد بحث) از حقوق داخلی سرراست است

در اینجا بحث نون جاس ندارد چرا که این دسته جزو لاینفک نظام حقوقی است
تکلیف در جاس خود قابل احرا است

ب) مقرراتی که از معاهده یا عرف بین الملل برخاسته اند

بحث در اینجا است که مطرح می شود و تکلیف دو الیم و مونیم را می بیند

اسام و دو الیم : دو الیم تکلیف نوزستی است و غیر از اینها آنها با استقلال این دو نظام حقوقی است که این دو به لحاظ ابیاتی با هم متفاوتند. یکی برخاسته از اراده کشور است و دیگری از اراده چند کشور. این استلال بر پایه تکلیف اصالت اراده است. از نظر ما این مبنا مردود است و لذا اسام مخالف این طرز تفکرات است

اسام و مونیم : روح حاکم بر این تکلیف به با اولی به هم در بیان اینها می توانیم بگویم که در اینها به عنوان تبار مورث حقوقی است. حاصل این مونیم در دسته اند. بر این وجهه کال حقوقی بین الملل به داخلی -> همان طور که در اجتماع، مقررات اجتماعی بر فرد حاکم است، مقررات جامعه بر فرد (کشور) حاکم است. از لحاظ سلسله مراتب، سراسر مقررات جامعه بر فرد (بین الملل) حاکم است. [استدلال] = در این سلسله

این بیان می توانیم بگویم مورد به بردار نظام حقوقی
اسام نیز واقع شود. چون یک حقوق مغز
والها بر این حاکم است که بطنها با کل است
حکومت اسامی صحبت می دهد.

مونیم حقوقی و پرسش و حدیث
(دوست در موارد طبیعی / نیازها و ضروریات اجتماعی و ضروریات
نیازها / نظر در حفظ سر و آسایش زندگی)
اینها از دوست در مورد آسایش و نیازها مطلق به در می آید

مفصل ششم

* موضوع مختلف در حقوق بین الملل عمومی، کشور هستند. کشور چیست و آیا در حقوق بین الملل اسامی، با مع و تکلیف مورث حقوقی در اینها می آید؟

آریه در نظام اسام
کمال مطلوب -> حاکم بر این مورث حقوقی اسام بر همه است
نظام حقوقی اسام -> وضع موجود -> جوامع مختلف و مورث حقوقی مختلف

